

جامعه دوقطبی چالش جدید آمریکا

■ سید محمد امین آبادی



آمریکا در سال گذشته از نژادپرستی پلیس و کشتار هدفمند سنیها و ارد چالش و بحران تازه‌ای شد که شاید در تاریخ آمریکایی سابقه باشد. سال ۱۳۹۵ سهم ملی در تاریخ آمریکا بود؛ سالی که مردمش به قول رسانه‌ها و مقامات این کشور در «زشت‌ترین»، «بی‌شرمانه‌ترین» و «وحشیانه‌ترین» انتخابات تاریخ این کشور، عجیب‌ترین کاندیدای شاید تاریخ آمریکا را برگزیدند. پنجاه و هشتمین انتخابات ریاست جمهوری آمریکا نواهم(سه شنبه ۱۸ آبان ۹۵) برگزار شد. با مشارکت ۵۵/۳ درصد آمریکایی‌ها در میان بهت همگان «دونالد ترامپ» با کسب ۳۰۶ رای الکتروال در مقابل ۲۳۲ رای بر «هیلاری کلینتون» پیروز شد. اما ترامپ با کسب ۶۲ میلیون و ۹۷۹ هزار رای (۲۴ درصد) رای مردمی کمتری در مقایسه با کلینتون با کسب ۶۵ میلیون و ۸۲۴ هزار رای (۴۸ درصد) به دست آورد. خلاصه اینکه سال گذشته، سال «ترامپ» بود. تاجر میلیاردر نژادپرستی که بر اساس تحلیل دانشگاه اسکوفورد به شدت جامعه ستیز، خودشیفته، عوام فریب خطرناک و دروغگو است و از لحاظ گرایشات روانی، اوضاع بدتری حتی در مقایسه با «آدولف هیتلر» دارد. وی اما بدون داشتن تجربه سیاسی توانست در انتخابات ریاست جمهوری به پیروزی دست پیدا کند. «انتخاب ترامپ روح عریان جامعه آمریکا را نشان داد». «این انتخاب نتیجه مستقیم رسوایی و خواری آمریکا در دوره اوباما بود»، «مردم از فساد دستگاه حاکم خسته شده بودند»، «ترامپ خود را نماینده تغییر وضعیت موجود نشان داد»، «ترامپ تلاش داشت خود را سخنگوی مشکلات مردم آمریکا معرفی کند»، «موکرات‌ها اکثریت مردم آمریکا را نادیده گرفتند»، «خستگی مردم از وضعیت موجود و سیاست‌های حزب دموکرات باعث انتخاب ترامپ شد»، و... اینها تنها بخشی از تحلیل‌هایی بودند که رسانه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای پس از پیروزی غیرمنتظره ترامپ بدان پرداختند.

قدرت، فساد سیاسی و اعتراضات به آن، گرایشات جدایی طلبانه منطقه خودمختار کردستان عراق و نبرد نیروهای مسلح علیه تروریست‌های اسامدر سال ۱۳۹۵ به طور نسبی شرایط آرام‌تر شده و توجه ملت به همراه امکانات دولت و نیروهای مسلح روی نبرد با داعش متمرکز شد. تظاهرات علیه فساد دولتی که پیش از این، هفته‌ای یکبار در بغداد و برخی شهرها برگزار می‌شد، در سال جاری فروکش کرد و تنها یک تظاهرات بزرگ که حامیان جریان

توامی سطوح رو به رو شد. تظاهرات گسترده خیابانی در شهرهای آمریکا، مخالفت گسترده نخبگان دانشگاهی، تلاش سناتورها برای برکناری وی و جمع آوری توپمار برای استیضاح او، بخشی از این مخالفت‌ها بود. ترامپ با چالش‌های گسترده‌ای نیز طی همین دو ماه گذشته رو به رو بوده است؛ از چالش صدور فرمان مهاجرتی و مخالفت گسترده دادستان‌ها با آن تا رسوایی مقامات ارشد از جمله ارتباط مشاور ارشد و دادستان کل با مقامات روس، بخشی از این چالش‌ها بوده‌اند. اما آنچه که مسلم است ترامپ روح عریان جامعه و حد وسطی وجود ندارد. گروهی به شدت مخالف وی هستند و هر روز در خیابان‌ها از شهری به شهر دیگر بیرون می‌آیند و خواستار استیضاح و برکناری او می‌شوند و گروهی دیگر نیز به شدت حامی و پشتیبان وی هستند

جامعه آمریکا امروز کاملا دوقطبی است؛ براساس نظرسنجی‌ها ۷۷ درصد مردم این کشور معتقدند که کشور دپواره شده است. این میزان در سال ۲۰۱۲، در حدود ۶۹ درصد بود. اکثریت مردم معتقدند که ترامپ به جای متحد کردن کشور، موجب ایجاد شکاف در بین مردم شده است. اما ماجرای ترامپ هنوز تمام نشده است و این تازه آغاز ماجراست.

برخی از کارشناسان و تحلیلگران معتقدند وی با رویه‌ای که در پیش گرفته دوره چهار ساله‌اش را به پایان نخواهد رساند و ماجرای شیبه نیکسون(استیضاح و استعفا پیش از عزل) را کندوی (تئور) در انتظارش خواهد بود. عده‌ای هم معتقدند وی سرنوشت آمریکا را به سرنوشت شوروی دچار خواهد کرد. به هر حال، باید منتظر بود و دید که چه می‌شود.

غلبه تفکر شیعی بر وهابیت در نیجریه

■ محمدحسن نیک‌بین



بزرگ‌ترین چالش نیجریه در سالی که گذشت را می‌توان بحران «ختران چیبوک» دانست. صدها دخترکی که از ابتدای سال ۱۳۹۲ در مدرسه شیعیب چیبوک به دست تروریست‌های بوک‌حرام ربوده شدند و همچنان مایه دغدغه و نگرانی مردم و دولتمردان این کشور باقی مانده‌اند، تلاش‌های گسترده‌ای از سوی جوامع بین‌المللی و کشور نیجریه برای آزادی آنها شکل گرفت، اما این تلاش‌ها تقریباً بی‌نتیجه مانده است. در سال ۹۵ گذشته‌ترین حمله تروریستی بوک‌حرام هم مربوط به آذماه بود که در پی آن ۳۰ تن از اهالی شهر «ماداکالی» (شمال شرق نیجریه) کشته شده و ۵۷ نفر نیز زخمی شدند. بوک‌حرام در سالی که گذشت، عامل قحطی نیز بوده است؛ مدیر منطقه‌ای برنامه جهانی غذا غرب آفریقا، ماه جاری در نشست‌ای با ابراز نگرانی اعلام کرد، تروریست‌های بوک‌حرام، باعث قحطی و تشنگی شرقی نیجریه شده‌اند. بنابر گزارش سازمان ملل، در ایالت «بونو» (شمال شرقی نیجریه) «تقریباً شرایط نیمه قحطی وجود دارد». علت این وضعیت اضطراری، درگیری‌هایی است که بوک‌حرام در این منطقه به وجود آورده است و می‌توان گفت که این تفرکات بوک‌حرام بسیار شبیه داعش بوده و می‌توان گفت که این دو گروه به همراه همه تکفیری‌ها حاصل تلاش روزافزون رژیم آل سعود برای گسترش وهابیت در منطقه غرب آفریقا و جهان اسلام است. آنها با صرف هزینه‌های گزاف و فرستادن مبلغ و مفت به کشورهای نظیر نیجریه، سعی در توسعه تفکر وهابیت و بوک‌حرام دارند. آل سعود اما فقط به گسترش تفکر تکفیری راضی نشده و سران نیجریه را به سرکوب شیعیان تشویق می‌کنند شیعیانی که تعداد آنها در حال افزایش است و رهبری آنها از سوی شیخ «ابراهیم زکزاکی» برعهده دارد، فردی که به امام خمینی(ره) بسیار ارادت دارد. شیعیان نیجریه بیش از هر جای دیگر متأثر از ایران هستند و به صورت بارز تصاویر و رهبران و مراجع تقلید شیعه ایرانی را در حسینیه‌ها و مساجد، راهپیمایی‌ها و مجالس خود نصب می‌کنند. ابراهیم زکزاکی به ایران علاقه بسیاری دارد و بارها به کشورمان سفر کرده است. تلاش‌های وی وقفه وی که باعث هدایت میلیون‌ها نفر شده نهایتاً باعث خشم و وهابیه‌ها شد و صدها شیعه به دست نیروهای ارتش قتل‌عام شدند. در این میان شیخ زکزاکی نیز زخمی شد

بر یک جمع‌پندی، آنچه در نیجریه مشاهده می‌شود، پیروزی تشیع بر خط مشی یلید وهابیت است. این پیروزی آن‌قدر واضح است که رسانه‌های برجسته غربی همچون «پلومبرگ» هم به آن معترف‌اند. این خبرگزاری معروف در گزارشی جالب، به برتری نرم جمهوری اسلامی از سایر رقبای خود حتی آمریکا در نیجریه می‌گوید و می‌نویسد: «جمهوری اسلامی ایران با ساختن زنجیره‌ای در هم تنیده و استوار با کمرتنی‌های قابلت این را دارد که در هر مکان و هر زمان با آمریکا درگیر شود، ایران قدرت برتر نرم در نیجریه است.»

دریچه‌ای به جهان

khareji@kayhan.ir

جهان در سالی که گذشت

و حکومت‌های سرکوبگری مثل رژیم آل خلیفه و آل سعود حمایت نکنند. سال ۱۳۹۵ بدین صورت گذشت و به نظر می‌رسد که در سال ۱۳۹۶ برخی جریان‌های تروریستی در منطقه مثل «داعش» و «جبهه‌النصره» حضور کم‌رنگ و حاشیه‌ای داشته باشند، اما این پایان بحران و بدبختی مردم منطقه نیست، چون آمریکا حضور دارد و به نظر می‌رسد که «دونالد ترامپ» با همه خامی و زخمی‌اش، همان سیاست‌های آشنای «باراک اوباما» را در منطقه ادامه خواهد داد. در ارتباط با ترامپ و ترامپیسسم در آمریکا سخن بسیار گفته شد، اما ترامپ هر که باشد هیچ کشایشی در کار دنیا ایجاد نخواهد کرد و البته برای ما بلادیدگان، بلای بزرگ‌تری هم خواهد بود.

نبردهای سختی را در مناطق استان‌های لاذقیه، ادلب، حمص، قنیه، قلمون و حومه شرقی و غربی دمشق با موفقیت پشت سر گذاشتند، که شاید بتوان گفت مهم‌ترین آنها، تسلط بر منطقه «وادی بصری» که به منبع آب دمشق شهرت دارد و همچنین، باز پی گیری دوباره شهر باستانی تدمر (پالمیرا) در استان حمص، باشد. اما، فتح‌الفوج ارتش سوریه و نیروهای مقاومت در سال ۹۵ و با بهتر است بگویم در کل شش سال اخیر، بازپس‌گیری شهر «حلب» است. بخش شرقی این شهر که تحت اشغال عناصر تروریستی (جیش‌الفتح) متشکل از بیش از ۲۰ گروه ریز و درشت بود ماه‌ها در محاصره نیروهای دولتی و مقاومت قرار داشت. تروریست‌ها بیش از هفت بار تلاش کردند این محاصره را بشکنند، اما نتوانستند و بالاخره شکست خوردند.

در مورد اهمیت این پیروزی و تأثیری که بر تحولات سوریه و حتی منطقه و جهان دارد، بشاراسد در جایی گفته است که آزادسازی حلب یک نقطه عطف است و تاریخ را می‌توان به قبل از آزادسازی حلب و پس از آن، تقسیم کرد. به سر حال، فتح حلب درخشان‌ترین پیروزی سال ۹۵ است. اما، بحران سوریه پیچیدگی‌هایی دارد و این پیچیدگی‌ها از آن سوی مرزها بر این کشور و ملت مظلوم آن، تحمیل شده است.

پیچیدگی‌های بحران همان‌طور که پیش از این گفته شد، تنوع جریان‌های تروریستی فصال در سوریه، که هر یک از جایی تقدیر و حمایت می‌شوند و مداخلات علی‌دولت‌های منطقه‌ای و قدرت‌های خارج از منطقه در سوریه، بحران در این کشور را پیچیده کرده است. به خاطر همین حضور همگانی در سوریه، بحران شش‌ساله در این کشور نیز تحت راهبردی به خود گرفته است و چگونگی حل آن، پیامدهای منطقه‌ای و جهانی خواهد داشت.

شعاری از کشورها و جریان‌ها به دعوت دولت سوریه، در کنار ارتش این کشور قرار گرفته‌اند و تعداد زیادی از کشورها و نهادهای بین‌المللی هم در صف مقابل قرار دارند و از تروریسم حمایت می‌کنند. اکنون و در شرایطی که حامیان دولت در خاک سوریه دست برتر را دارند، جبهه مقابل به دنبال تغییر است. سازمان ملل در امور سوریه، آن را شمال سوریه مناطق امن ایجاد کند و قبل از ارتش سوریه، به شهر «رقه» مسلط شود و حمایت خود از تروریست‌های به اصطلاح میانه‌رو را مشروع جلوه دهد. در مجموع، سال ۹۵ سال ادامه دارد و مردم تأکید کرده‌اند که تا به خواسته‌های خود نرسند دست از اعتراض برنمی‌دارند. مردم بحرن خواستار اصلاحات در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند و می‌خواهند که آل خلیفه آن را برنمی‌تابد و با شدیدترین شیوه‌های سرکوب، به آنها پاسخ می‌دهد. در مجموع، ملت بحرن به همان اندازه که نسبت به رژیم آل خلیفه نفرت دارند، قلب‌شان به عشق شیخ عیسی قاسم می‌تپد.

لبنان عبور از بی‌ثباتی سیاسی

■ محمد رضا مرادی



لبنان در سال ۱۳۹۵ شاهد عبور گروه‌های سیاسی از بحران ۳۰ ماهه ریاست جمهوری و نیل به ساحل ثبات سیاسی بوده است. در شرایطی که کشورهای منطقه خاورمیانه به شدت درگیر نبرد با تروریسم هستند و ناامنی و بی‌ثباتی بر سوریه، عراق و یمن حکمفرما است، لبنان بی‌ثباتی سیاسی در داخل را پشت سر گذاشت. این کشور ۲۰ ماه را با خلاء ریاست جمهوری مواجه بود و این مسئله بارها باعث تشدید بحران امنیتی و همچنین ناامنی در برخی شهرها مانند طرابلس شده است. ۴۵ جلسه پارلمان لبنان به دلیل به حد نصاب نرسیدن این نهاد به شکست انجامید. حد نصاب قانونی برای انتخاب رئیس‌جمهور حضور دو سوم اعضای پارلمان یعنی ۲۵ نماینده از ۱۲۸ نماینده در جلسه پارلمان لبنان «سلیمان» به پایان رسیده تا روز ۲۵ آبان توانست با حد نصاب قانونی تشکیل جلسه دهد. اما گروه‌های سیاسی لبنان سرانجام روز دوشنبه ۱۰ آبان ۹۵ توافق در مورد انتخاب «میشل عون» به عنوان رئیس‌جمهور جدید لبنان مهر پایانی بر این بحران خود ساختند.

سازمان ملل در امور سوریه، آن را شمال سوریه مناطق امن ایجاد کند و قبل از ارتش سوریه، به شهر «رقه» مسلط شود و حمایت خود از تروریست‌های به اصطلاح میانه‌رو را مشروع جلوه دهد. در مجموع، سال ۹۵ سال ادامه دارد و مردم تأکید کرده‌اند که تا به خواسته‌های خود نرسند دست از اعتراض برنمی‌دارند. مردم بحرن خواستار اصلاحات در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند و می‌خواهند که آل خلیفه آن را برنمی‌تابد و با شدیدترین شیوه‌های سرکوب، به آنها پاسخ می‌دهد. در مجموع، ملت بحرن به همان اندازه که نسبت به رژیم آل خلیفه نفرت دارند، قلب‌شان به عشق شیخ عیسی قاسم می‌تپد.

بحرین سرزمین عشق به شیخ عیسی و نفرت از آل خلیفه

■ فریده شریفی

کشور بحرن ازفوریه سال ۲۰۱۱ صحنه درگیری، اعتراض و انقلاب علیه یک رژیم دیکتاتور بوده است. این حرکت گسترده مردمی همزمان با موج بیاداری اسلامی در کشورهای غرب آسیا و شمال آفریقا شروع شد. در بحرن به دلیل اینکه حاکمان دیکتاتور این کشور با حمایت آمریکا و اروپا و متحدان آنها، سیاست مشت آهنین را در برابر اعتراضات مردم در پیش گرفته‌اند و هیچ‌گونه اصلاح یا نرمشی از خود نشان نداده‌اند، این انقلاب تاکنون به ثمر نرسیده است و همچنان ادامه دارد. رژیم حاکم در طول سال گذشته نیز همچون سال‌های قبل به سرکوب گسترده انقلابیون می‌پردازد و اوضاع حقوق بشر در بحرن همچنان بحرانی است. «حمد بن عیسی آل خلیفه»، پادشاه بحرن که اعتراض‌های مردمی ۱۴ فوریه را «خطری» علیه تاج و تخت خود می‌بیند از همان ابتدا به سرکوب آن روی آورده است. استفاده از انواع گازهای اشک‌آور و سمی و گلوله‌های پلاستیکی و ساچمه‌ای علیه معترضان بی‌دفاع بحرینی موجب شده، بسیاری از قوانین حقوق بشر در این کشور نقض شود. امسال نیز همچون سال گذشته ده‌ها بحرینی به جرم اعمال غیر قانونی سلب تابعیت شده‌اند که شیخ عیسی قاسم رهبر شیعیان بحرن جزو همین افراد سلب تابعیت شده است! او ی به اتهام واهی «پولشویی» محکوم شده و تاکنون ۹ بار دادگاه وی به تعویق افتاده است. «آل خلیفه»، از ترس خشم مردم اما محاکمه وی را ۹ بار به تأخیر انداخت. جالب اینجاست که در لیست افراد سلب تابعیت شده کودکان هم به چشم می‌خورند که معلوم نیست به چه جرمی متهم شده‌اند. افزایش سلب تابعیت بحرینی‌ها به خاطر قانون جدیدی است که رژیم منامه تصویب کرده و بر اساس آن هر کسی گروه تروریستی ایجاد کند یا آن را حمایت مالی کند یا



در مورد اهمیت این پیروزی و تأثیری که بر تحولات سوریه و حتی منطقه و جهان دارد، بشاراسد در جایی گفته است که آزادسازی حلب یک نقطه عطف است و تاریخ را می‌توان به قبل از آزادسازی حلب و پس از آن، تقسیم کرد. به سر حال، فتح حلب درخشان‌ترین پیروزی سال ۹۵ است. اما، بحران سوریه پیچیدگی‌هایی دارد و این پیچیدگی‌ها از آن سوی مرزها بر این کشور و ملت مظلوم آن، تحمیل شده است.

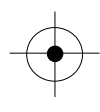
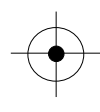
تحریک به براندازی بکنند را می‌توان سلب تابعیت کرد. حالا معلوم نیست که کودکان این کشور چگونه می‌توانند گروه تروریستی ایجاد کنند؟ و دست به اعمال تحریک‌آمیز بزنند؟! شکنجه، بازجویی‌های خشن، ضرب و شتم متوالی، تعرض جنسی، شوک الکتریکی، آویزان کردن طولانی‌مدت و... همه از مواردی هستند که ناظران بین‌المللی حقوق بشر به آن اقرار دارند. همه این جنایات در حالی است که وزیر خارجه انگلیس که برای مراسم کلنگ‌زنی پایگاه نظامی انگلیس به بحرن سفر کرده بود در برابر فشارهای رسانه‌های معترض به همکاری با کشور ناقض حقوق بشر رفت که بحرن هرچند تمام کامل نیست ولی گام‌هایی را برای بهبود وضعیت حقوق بشر برداشته است! از سوی دیگر با وجود نقض گسترده حقوق بشر در بحرن، آمریکا مدعی شده که کمک‌های خود به بحرن را از سر خواهد گرفت. آمریکایی‌ها اعلام کرده‌اند که اوضاع حقوق بشر در بحرن بهتر از قبل شده است. این کشور یک شریک مهم و بلندمدت آمریکا در مبارزه با تروریسم است. در واقع این حمایت‌ها از رژیم دیکتاتور بحرن برای سرکوب مسلمانان این کشور است که نمی‌خواهند کشورشان تحت سلطه کشورهای غربی باشد.

بحرن در سرکوب‌های خود از حمایت سعودی‌ها نیز برخوردار بوده است و به‌رغم تجاوزات عربستان به یمن، آل سعود از حمایت دیکتاتور بحرن در سرکوب شیعیان نیز دست برنمی‌دارد. به همین دلیل بحرن در سیاست خارجی خود تابع سعودی‌ها است و سعی می‌کند مشروعیت خود را از طریق افزایش ارتباط با غربی‌ها کسب حمایت‌های امنیتی آنها به دست آورد. اما همه چیز در معادلات پنهان و آشکار مقامات بحرینی با مقامات غربی و حاکمان آل سعود خلاصه نمی‌شود بلکه در دستان و در اراده مردمی تعیین می‌شود. مردمی که از لحظه شروع انقلاب روزی نبوده که به خیابان‌ها نیایند و تظاهرات مسالمت‌آمیز راه نهند! آن‌ها چرا که از روز اول هم‌قسم شده‌اند که مانند رژیم قاتل و خونریز آل خلیفه به خشونت روی نیاورند. مردم انقلابی بحرن همچنین از روز ۳۱ خرداد ماه که شیخ عیسی قاسم لغو تبعیت شد در اطراف خانه او در محله الدراز تحصن و اعلام کرده‌اند که به هیچ وجه اجازه تعرض به ساحت روحانیت را نخواهند داد و آل خلیفه باید از روی اجساد آنها عبور کند تا به شیخ عیسی قاسم دست پیدا کند. این تظاهرات همچنان ادامه دارد و مردم تأکید کرده‌اند که تا به خواسته‌های خود نرسند دست از اعتراض برنمی‌دارند. مردم بحرن خواستار اصلاحات در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند و می‌خواهند که آل خلیفه آن را برنمی‌تابد و با شدیدترین شیوه‌های سرکوب، به آنها پاسخ می‌دهد. در مجموع، ملت بحرن به همان اندازه که نسبت به رژیم آل خلیفه نفرت دارند، قلب‌شان به عشق شیخ عیسی قاسم می‌تپد.

شرکت «لوجه اینترن‌اسیونال» در فرانسه که متعلق به حریری بود نیز در معرض ورشکستگی قرار گرفت. این شرایط حریری را در موقعیت بسیار خفیفی قرار داد و در نهایت سعد حریری رئیس حزب مستقل و رهبران جریان ۱۴ مارس و از مخالفان حزب‌الله لبنان هم بالاخره مجبور شد به انتخاب میشل عون به عنوان رئیس‌جمهور تن دهد. خبرگزاری روتنر در گزارشی درباره انتخاب رئیس‌جمهور لبنان اعلام کرد، تصمیم حریری برای تأیید و حمایت از عون، آغازگر یک امتیاز بزرگ سیاسی بود و این نشانگر، کاهش کاهش یافته عربستان در لبنان و نفوذ قاطعانه حزب‌الله مورد حمایت تهران است.

انتخاب میشل عون به عنوان رئیس‌جمهور لبنان، موج خشم و نگرانی رژیم صهیونیستی را به دنبال داشت. تحلیلگران و کارشناسان اسرائیلی پیش از این پذیرش کاندیداتوری «عون» را به مثابه «فرو افتادن بمب که ترکش‌های آن به تمامی سمت‌ها پرتاب می‌شود» ارزیابی کرده بودند. این کارشناسان تأکید کردند که پیروزی رئیس‌جمهور متحد حزب‌الله باعث رضایت و خرسندی ایران شده و شکست دیگری برای مواضع منطقه‌ای عربستان به شمار می‌رود. روزنامه «دیپوموت آحرانوت» می‌سید حسن نصرالله را «برنده اصلی» انتخابات ریاست جمهوری لبنان توصیف کرد و مدعی شد: «ریاست جمهوری و نخست‌وزیری لبنان مهم نبوده، چرا که لبنان در طول سال‌های گذشته نیز به شکل معمولی بدون ریاست جمهوری و پارلمان منتخب به زندگی خود ادامه می‌داد و هیچ‌کس غیاب این دو را متوجه نمی‌شد. اما موضوع پراهمیت در این است که حریری به عنوان رهبر اهل تسنن لبنان و متحد عربستان سعودی، در برابر دیکته‌های سید حسن نصرالله تسلیم شده است.»

در کل می‌توان گفت که حزب‌الله طی یک سال گذشته موفق شد در دو عرصه سیاسی و نظامی خود را به عنوان یک جریان تأثیرگذار و غیرقابل چشم‌پوشی در لبنان به اثبات برساند.



ترتیب، به خونین‌ترین مقطع تاریخ عراق معاصر پایان خواهد داد. سوریه همان‌طور که گفته شد، اوضاع در سوریه پیچیده‌تر از عراق است؛ دشوار است که چه در جنگ و چه در مذاکره دنبال می‌شود و همه مخالفان و حتی «استفان دی‌میستورا» نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه، آن را شمال سوریه مناطق امن ایجاد کند و قبل از ارتش سوریه، به شهر «رقه» مسلط شود و حمایت خود از تروریست‌های به اصطلاح میانه‌رو را مشروع جلوه دهد. در مجموع، سال ۹۵ سال ادامه دارد و مردم تأکید کرده‌اند که تا به خواسته‌های خود نرسند دست از اعتراض برنمی‌دارند. مردم بحرن خواستار اصلاحات در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی هستند و می‌خواهند که آل خلیفه آن را برنمی‌تابد و با شدیدترین شیوه‌های سرکوب، به آنها پاسخ می‌دهد. در مجموع، ملت بحرن به همان اندازه که نسبت به رژیم آل خلیفه نفرت دارند، قلب‌شان به عشق شیخ عیسی قاسم می‌تپد.

سایر سیاستمداران در ارتباط با فساد اقتصادی، مسئله دارند. نشان داد که شخص «مقتدا صدر» که رئیس جریان صدر محسوب می‌شود، کنترل بر این جریان ندارد. این مسئله به صورت بالقوه، یک خطر محسوب می‌شود و سال آینده که سال بدون داعش خواهد بود، حضور طرفداران جریان صدر در خیابان‌ها احتمالاً پررنگ‌تر خواهد شد. جریان‌های سیاسی و چهره‌های معترض و بعضاً واگرا مثل «آباد علوی»، «صالح مطلق»، «اسامه «پیل» نیز ما سال نسبتاً کم تنش و آرامی را داشتیم. در منطقه کردستان عراق فاصله میان خطوط‌مشی‌های هر حزب با حزب دیگر زیاد است و مطالبات این احزاب با هم چندان همخوانی ندارد. در میان احزاب و چهره‌های منطقه فوق، «مسعود بارزانی» رئیس منطقه خودمختار کردستان عراق به دنبال استقلال کردستان عراق است و این خواسته خود را چندین بار حتی در سال ۹۵ مطرح کرده است. باین مقدمات، متوجه می‌شویم که سال آینده در دوران پس از داعش، اگر بارزانی همچنان زمام امور را در دست داشته باشد، روابط میان اربیل و بغداد پر تنش خواهد شد. پتانسیل سابق را در نقش اپوزیسیون البته ناگفته نماند که هر چند اعتراضات خیابانی هواداران جریان صدر «علیه فساد» صورت می‌گرفت، ولی هر ناظری می‌توانست به راحتی متوجه شود که «فساد» پنهان است و عوامل اصلی این تظاهرات، مطالبات

که سال آینده در دوران پس از داعش و برجسته کردن این چهره‌ها و مطالبات آنها در کنفرانس است. عرصه میدانی نیز می‌توان گفت نیروهای مسلح عراق با تسلط بر «فلوجه» و آزادسازی بخش اعظم موصل، کمر داعش را شکست و احتمالاً تا ۱۵ روز دیگر، کار داعش در موصل یکسره خواهد شد. به گفته فرماندهان بسیج مردمی عراق، نیروهای مسلح این کشور پس از شکست دادن تکفیری‌ها در موصل، باقی‌مانده‌های داعش را در استان‌های «کرکوک» و «الانبار» هم بر می‌چینند. بدین «پیل» نیز ما سال نسبتاً کم تنش و آرامی را داشتیم. در منطقه کردستان عراق فاصله میان خطوط‌مشی‌های هر حزب با حزب دیگر زیاد است و مطالبات این احزاب با هم چندان همخوانی ندارد. در میان احزاب و چهره‌های منطقه فوق، «مسعود بارزانی» رئیس منطقه خودمختار کردستان عراق به دنبال استقلال کردستان عراق است و این خواسته خود را چندین بار حتی در سال ۹۵ مطرح کرده است. باین مقدمات، متوجه می‌شویم که سال آینده در دوران پس از داعش، اگر بارزانی همچنان زمام امور را در دست داشته باشد، روابط میان اربیل و بغداد پر تنش خواهد شد. پتانسیل سابق را در نقش اپوزیسیون البته ناگفته نماند که هر چند اعتراضات خیابانی هواداران جریان صدر «علیه فساد» صورت می‌گرفت، ولی هر ناظری می‌توانست به راحتی متوجه شود که «فساد» پنهان است و عوامل اصلی این تظاهرات، مطالبات

که سال آینده در دوران پس از داعش و برجسته کردن این چهره‌ها و مطالبات آنها در کنفرانس است. عرصه میدانی نیز می‌توان گفت نیروهای مسلح عراق با تسلط بر «فلوجه» و آزادسازی بخش اعظم موصل، کمر داعش را شکست و احتمالاً تا ۱۵ روز دیگر، کار داعش در موصل یکسره خواهد شد. به گفته فرماندهان بسیج مردمی عراق، نیروهای مسلح این کشور پس از شکست دادن تکفیری‌ها در موصل، باقی‌مانده‌های داعش را در استان‌های «کرکوک» و «الانبار» هم بر می‌چینند. بدین «پیل» نیز ما سال نسبتاً کم تنش و آرامی را داشتیم. در منطقه کردستان عراق فاصله میان خطوط‌مشی‌های هر حزب با حزب دیگر زیاد است و مطالبات این احزاب با هم چندان همخوانی ندارد. در میان احزاب و چهره‌های منطقه فوق، «مسعود بارزانی» رئیس منطقه خودمختار کردستان عراق به دنبال استقلال کردستان عراق است و این خواسته خود را چندین بار حتی در سال ۹۵ مطرح کرده است. باین مقدمات، متوجه می‌شویم که سال آینده در دوران پس از داعش، اگر بارزانی همچنان زمام امور را در دست داشته باشد، روابط میان اربیل و بغداد پر تنش خواهد شد. پتانسیل سابق را در نقش اپوزیسیون البته ناگفته نماند که هر چند اعتراضات خیابانی هواداران جریان صدر «علیه فساد» صورت می‌گرفت، ولی هر ناظری می‌توانست به راحتی متوجه شود که «فساد» پنهان است و عوامل اصلی این تظاهرات، مطالبات